

## علامه طباطبایی و حدیث

علامه طباطبایی معتقد است که پی بردن به مراد جامع 3 دسته از آیات قرآن کریم تنها در پرتو احادیث صورت می گیرد؛ آیات الاحکام، آیات معاد و آیات مربوط به قصص انبیاء و سرگذشت اقوام و ملل پیشین این موارد هستند.



دکتر مجید معارف: علامه طباطبایی معتقد است که پی بردن به مراد جامع 3 دسته از آیات قرآن کریم تنها در پرتو احادیث صورت می گیرد؛ آیات الاحکام، آیات معاد و آیات مربوط به قصص انبیاء و سرگذشت اقوام و ملل پیشین این موارد هستند.

علامه طباطبایی خارج از این سه حوزه- مانند اعتقادات و اخلاقیات و اجتماعیات- قائل به استفاده مستقیم از روایات نیست اما معتقد است روایات وارده ذیل همین دسته از آیات اگر مطالعه شود، ملکه تفسیر قرآن به قرآن را در ما پرورش می دهد، این روش و خلاقیت ذهنی در پرتو مطالعه و تدبر در روایات تفسیری ایجاد می شود.

ایشان پس از تفسیر بخشی از آیات، بابی را تحت عنوان «&#171;بحثی از نظر روایات» باز می کند و دیگر فرقی نمی کند که آیات از جنس آیات معاد یا آیات الاحکام و یا سرگذشت انبیاء و گذشتگان باشد یا نباشد؛ یعنی در حقیقت دیگر کاری به جنس آیات ندارد و این روش در کل تفسیر ساری و جاری است.

علامه طباطبایی در بیان روایات سعه صدر زیادی دارد و در بیان روایات از تفاسیر شیعه و اهل سنت استفاده می کند البته اهل سنت در بیان روایات قول صحابی و تابعی را نیز جزو روایات به شمار می آورند اما مرحوم علامه در منابع اهل سنت مثل الدر المنثور، تفسیر طبری و تفسیر ابن کثیر، فقط از روایات شخص رسول اکرم (ص) استفاده می کند، ضمناً علامه از تفسیر الدر المنثور به دلیل جامعیت آن زیاد به نقل روایات می پردازد. علامه طباطبایی در بین تفاسیر شیعی از تفاسیر علی ابن ابراهیم قمی، عیاشی، البرهان، نورالثقلین و منابع مختلف روایات تفسیری استفاده می کند و طبعاً روایات تفسیری ائمه اطهار (ع) از روایات و مصادیق بارز روایات تفسیری در دیدگاه علامه به حساب می آید.

علامه از روایات به روش های مختلفی استفاده می کند؛ به طور مثال گاه می گوید: «&#171;هذا يؤيد ما قلنا»، منظور علامه از این سخن این است که حرف ما- که آن را از طریق تفسیر قرآن به قرآن زدیم- توسط این روایت تأیید می شود؛ بنابراین یکی از کارکردهای حدیث در المیزان پشته سازی برای اندیشه های ناب تفسیر قرآن به قرآن علامه است. کارکرد دوم روایت در تفسیر المیزان رفع ابهام از تفسیر یک آیه است، هنگامی که آیه جزو سه دسته آیات معاد، احکام یا سرگذشت پیشینیان باشد و گاه نیز پیش می آید که در مورد این سه دسته علامه روایات را در متن تفسیر می آورد؛ زیرا در این موارد حدیث جزو بخشی از تفسیر به حساب می آید. دفاع از اندیشه های ناب اسلامی در پرتو نقد روایات ضعیف و خرافی تفسیری یکی دیگر از کارکردهای حدیث در تفسیر المیزان است؛ یعنی علامه طباطبایی روایت را به انگیزه نقد و رد کردن در تفسیرش می آورد تا بگوید اگر تاکنون از این روایات در ذیل آیات قرآن به عنوان سخن رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بهره برده اید، توجه داشته باشید که این روایات حجت نیست.

علامه طباطبایی برای اینکه در حوزه نقد دستش را باز نگاه دارد تا بتواند یک روایت را که حاوی مفهوم خرافی است به راحتی حذف کند، دایره حجیت خبر واحد را محدود می کند. یکی از دیدگاه های برجسته ایشان که با نظر برخی از قرآن پژوهان دوران معاصر مانند آیت الله العظمی خویی یا آیت الله معرفت تقابل ویژه ای دارد، همین مطلب است که محدودیت ویژه ای به خبر واحد می دهد. ایشان از جمله معدود کسانی است که حجیت خبر واحد را فقط در خصوص فقه می داند، علامه می گوید، تنها خبر واحد فقهی حجیت شرعی دارد اما خبر واحد غیر فقهی حجیت شرعی ندارد؛ معنی این سخن این است که به ملاحظه اندک تعارضی که خبر واحد تاریخی یا اعتقادی یا اخلاقی با نصوص قرآن یا منطق عقل داشته باشد، خبر قاطعانه رد می شود.

مهم ترین معیار علامه طباطبایی برای نقد یک خبر، معیار متنی است، علامه با مقایسه متن یک حدیث با نصوص قرآن، آن حدیث را مورد نقد قرار می دهد، اما گاهی نیز به سراغ نقد سند می رود و ممکن است اعتبار حدیثی را به خاطر سند ضعیف آن و وجود راویانی که مشهور به کذب و جعل هستند، مورد چالش قرار دهد.